نگاهی به قیمت و درآمد ناشی از مواد مخدر و سازمان‌دهی جنایی آن در جهان

دکتر شهرزاد برومند*

قاچاق مواد مخدر در دنیا درآمدی معادل ۴۰۰ میلیارد دلار ایجاد می‌کند. به‌عبارت دیگر، دومین فعالیت پرسود اقتصادی بعد از صنعت اسلحه‌سازی به‌شمار می‌رود. درآمد حاصل از مواد مخدر مشابه درآمد حاصل از صنعت اتومبیل‌سازی یا داروسازی یا صنعت بانکداری است. تجارت مواد مخدر صنعتی است که نه مرز دارد و نه ملیت دارد و باندهای جنایتکار آن را به‌صورت چندملیتی اداره می‌کنند. قاچاق مواد مخدر به‌صورت تجارتی سازمان‌یافته شکل گرفته است که سرمایهٔ کلانی را جابه‌جا می‌کند، نیروی انسانی قابل ملاحظه‌ای را به‌کار می‌گیرد و از نیروی متخصص، با به فساد کشاندن یا تهدید و اعمال نفوذ، استفاده می‌کند. باندهای جنایتکار مانند کارتلهای کوکائین کلیمی و مکزیکی، قاچاقچیان هنگ‌کنگی و تایوانی و چینی، کزانسترا سیسیلی (Cosa Nostrasicile) و مافیای روسی و اروپای شرقی ادارهٔ این بنگاه عظیم تجاری را بر عهده دارند.

دورانی که در آن بعضی از کشورها خود را در مادهٔ مخدر مخصوصی «تخصصی» می‌کردند به‌سر آمده است. در حال حاضر در تمام دنیا، همه‌گونه مواد مخدر برای بازاری که در حدود ۲۰۰ میلیون نفر مصرف‌کنندهٔ تصادفی یا دائمی دارد تولید می‌شود. براساس گزارش برنامهٔ (Most) یونسکو، جمهوریهای شوروی سابق، ۲۵ برابر نیمی از دنیا حشیش تولید می‌کنند. کشت کوکا، که به‌طور سنتی در بولیوی، پرو و کلمبیا متمرکز بود، در حال حاضر در اکوادور، برزیل، ونزوئلا و پاناما نیز گسترش یافته است و حتی در سایر نقاط دنیا نیز گزارش شده است. آزمایشگاههای تولید کلروهیدرات، مادهٔ لازم برای تولید خمیر کوکا، همان‌گونه که در شیلی وجود دارند در انگلستان هم فعال هستند. کشت خشخاش

---

* عضو هیأت علمی و پژوهشگر پژوهشکدهٔ امور اقتصادی

فقط به مثلث طلایی آسیای جنوبی (بیرمانی، لائوس، تایلند) یا هلال طلایی (افغانستان، ایران، پاکستان) محدود نمی‌شود و می‌توان مقادیر کمتر آن را در ترکیه، مصر، اروپای شرقی، مکزیک، امریکای مرکزی و آسیای مرکزی نیز یافت. در این نواحی خشخاش بر سطحی معادل بیش از ۴۰ هزار هکتار کشت می‌شود.

ایالات متحده و اروپا مصرف‌کنندگان عمدهٔ مواد مخدرند. اما مصرف این مواد در تمام دنیا، از اروپای شرقی گرفته تا آسیای جنوب شرقی و حتی افریقا، گسترش زیادی یافته است. در میان انواع مواد مخدر، از اکستازی (ecstasy)، کوکائین، کراک (crack) و هروئین استقبال روزافزونی می‌شود.

کانابیس (cannabis) و مشتقات آن در همهٔ دنیا مصرف می‌شود. در امریکا، درآمد حاصل از کشت کانابیس معادل ۲۵ میلیارد دلار است و در بین تولیدات پرمحصول کشاورزی همانند سویا و ذرت، در ردهٔ نخست قرار دارد.

تولید مواد مخدر هرچند غیرقانونی است اما منبع درآمد بسیار مهمی برای بعضی از کشورها به‌شمار می‌رود و می‌تواند کسر بودجهٔ آنها را جبران کند. عوامل خاصی دلارهای مواد مخدری را پولشویی و وارد فعالیتهای قانونی می‌کنند. این عاملها می‌توانند بانکهای سازمان‌یافته، بنگاههای اقتصادی یا حتی یک ملت باشند.

تحقیقات انجام‌شده در زمینه پول‌شویی به‌خوبی رابطهٔ تنگاتنگ میان اقتصادهای رسمی و غیرقانونی را نشان می‌دهد. صنعت مواد مخدر ریشه‌های خود را در همه‌جا گسترانیده است، در جوامع شهری، در جوامع روستایی، درمیان تجار یا دولتمردان. تقریباً نیمی از جمعیت روستایی ۵ جمهوری آسیای مرکزی به کشت مواد مخدر اشتغال دارند. در بولیوی یک نفر از ۱۰ نفر جمعیت شاغل این کشور در صنعت مواد مخدر مشغول به فعالیت است.

در ایران نیز سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد سالهاست که به یکی از معضلات حاد اجتماعی ـ اقتصادی تبدیل شده و شمار معتادان و درصد مصرف‌کنندگان مواد مخدر در حال افزایش است.

مبارزه با این پدیده مستلزم شناخت دقیق همهٔ ابعاد آن اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. بنابراین، برنامه‌هایی در امر مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد موفق خواهند بود که با شناخت واقع‌گرایانه از مسئله طرح و اجرا شوند.

در صورتی که برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر براساس تحقیقات پژوهشی طراحی نشود، نمی‌توان امید چندانی به موفقیت آنها داشت. بدین لحاظ بررسی اقتصادی مواد مخدر از دیدگاه سنتی می‌تواند کمکی در درک پدیدهٔ اعتیاد به مواد مخدر باشد.

در این مقاله، ابتدا پیدایش قیمت در یک بازار غیرقانونی، سپس درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر و، در آخر، سازماندهیهای جنایی بررسی می‌شود.

در مقالهٔ حاضر، ضمن بررسی وضعیت بازار مواد مخدر در برخی کشورهای امریکایی و اروپایی، عرضه و تقاضا و مکانیسمهای تعیین قیمت مواد ارائه خواهد شد. در پایان نیز مروری کوتاه بر بازار مواد مخدر ایران آمده است.

۱) قیمت و درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر و سازمانهای جنایی

غیرقانونی بودن مبادله و رقابت ضعیف در بعضی سطوح سلسله‌مراتب مواد مخدر، وجود شفافیت در مبادله، گرانی و قیمتهای بالای مواد مخدر و کمبود اطلاعات در مورد هزینه‌ها را توضیح می‌دهد. سطح بالای قیمتها آیا به‌دلیل جبران خطر و زیان احتمالی در مبادله یا نشان‌دهندهٔ وجود سود بسیار زیاد است؟

تحلیل پیدایش قیمتها و درآمد قاچاقچیان به ما امکان پاسخگویی به سؤالات بالا را می‌دهد. احتمال زیان یکی از عوامل اساسی فعالیت قاچاق است. به همین دلیل قاچاقچیان به سازمانهای جنایی می‌پیوندند که فعالیت آنها را به‌طور بسیار مؤثر سازماندهی می‌کنند. میزان تمرکز قاچاقچیان چه اندازه است؟ ظرفیت سازماندهی آنها برای مقابله با سیاستهای دولتی منع گسترش مواد مخدر چه اندازه است؟ سعی ما در این فصل پاسخگویی به این سؤالات است.

۲) پیدایش قیمت در یک بازار غیرقانونی

چگونه می‌توان قیمت بالای مواد مخدر را توضیح داد؟ قیمت کوکائین تولیدشده در کارخانه‌های داروسازی از یک سنت برای هر گرم تجاوز نمی‌کند. در حالی که کوکائینی به خالصی آنچه این کارخانه‌ها تولید می‌کنند در خیابان پیدا نمی‌شود، ناخالص آن که با موادی بسیار ارزانتر ترکیب شده است به قیمت ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار در هر گرم به مصرف‌کننده فروخته می‌شود.

۲ـ۱) از برداشت محصول تا قیمت خرده‌فروشی

تعیین قیمت نهایی مواد مخدر پس از طی مراحل مختلفی صورت می‌گیرد: برداشت، تبدیل، صادرات و توزیع. این مراحل شامل مواد مخدری است که بیشتر استفاده می‌شوند مانند هروئین، کوکائین و حشیش. مواد مخدر شیمیایی مانند ال اس دی و اکستازی نیاز به قبلی ندارند. بررسی قیمت این‌گونه مواد در خط تولید ایجاد شبهه و بدگمانی می‌کند.

جدول ۱ـ قیمت کوکائین (۱۹۸۸)

روند تولید	قیمت هر کیلوگرم (دلار)	درصد قیمت نهایی
کشت	۷۵۰	۰/۵
صادرات (کلمبیا)	۲۰۰۰	۱/۵
واردات (میامی)	۱۵۰۰۰	۱۱
عمده‌فروشی با ۸۰٪ خلوص	۲۳۰۰۰	۱۷
نیمه عمده‌فروشی با ۶۵٪ خلوص (اونس: ۲۸ گرم)	۴۷۰۰۰	۳۵
خرده‌فروشی با ۵۴٪ خلوص (گرم)	۱۳۵۰۰۰	۱۰۰

قیمت مقدار برگ مورد نیاز برای تولید یک کیلوگرم کوکائین به‌طور بسیار محسوسی متغیر است و بستگی به ارزش برگ و محل انبار آن دارد. این قیمت بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار در نوسان است و بخش بسیار ناچیزی از قیمت نهایی است که مصرف‌کننده پرداخت می‌کند.

هنگامی‌که کوکائین آمادهٔ صادرات است، هزینهٔ آن همیشه ۱/۵٪ قیمت نهایی است. هزینهٔ قاچاق آن برای حمل به امریکا فقط ۱۰٪ قیمت نهایی است.

بررسی قیمتها به‌تنهایی کافی نیست و باید مکانیسمی که قیمتها در آن شکل می‌گیرند توضیح داده شود که از سه مرحله تشکیل شده است. اولین مرحله زمانی است که مواد مخدر از کشوری که در آن تولید شده به کشور مصرف‌کننده صادر می‌شود. فروش مواد مخدر به‌صورت عمده و نیمه عمده و تحویل آن به فروشندگان جزء مرحلهٔ دوم است و آخرین و سومین مرحله، فروش مادهٔ مخدر به مصرف‌کنندگان نهایی (خیابانی) است.

۲ـ۱ـ۱) صادرات مواد مخدر

ظرفیت قاچاقچیان برای تعیین قیمت صادرات بستگی به درجهٔ رقابت و رقبای آنها دارد. بر طبق الگوی کروت‌هاوزن و سارمیئنتو، اقتصاددانان کلمبیایی (۱۹۹۱)، قاچاقچیان مواد مخدر تشکیل یک انحصار چندجانبه به‌شکل کارتل می‌دهند و در مورد تعیین قیمتها و جلوگیری از جنگ قیمتها و کاهش ارزش، با یکدیگر به توافق ضمنی و غیرصریح می‌رسند. اما با وجود محدودیتهای انحصار چندجانبه، در سطح قاچاقچیان خردتر که کمتر از ۲۰٪ سهم بازار را با یکدیگر تقسیم می‌کنند نوعی رقابت مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که رقابت در بین فروشندگان عمده بسیار ضعیف است. این دو اقتصاددان معتقدند که افزایش قیمتها به‌صورت فزاینده است. این فرضیهٔ قیمت انحصاری نشان می‌دهد که ۱۰٪ افزایش در قیمت برگ کوکا باعث ۱۰٪ افزایش در قیمت خرده‌فروشی می‌شود. این نظریه مبتنی بر انحصار چندجانبه و متمرکز است تا از سقوط قیمت مواد مخدر جلوگیری کند.

کندی، ریلی و رویتر (۱۹۹۴) معتقدند که رقابت شدیدی بین قاچاقچیان وجود دارد و برای تعیین قیمت الگوی «پیوست» را پیشنهاد می‌کنند. با توجه به وجود رقابت، قاچاقچیان فقط می‌توانند افزایش هزینهٔ خود را در قیمت نهایی تأثیر دهند. فرضیهٔ رقابتی بوده قیمتها قیمت کوکائین را بسیار متفاوت با نظریهٔ غیررقابتی بودن قیمتها تخمین می‌زند. این الگو نشان می‌دهد که ۱۰۰۰ دلار افزایش قیمت هر کیلوگرم برگ کوکا به‌معنای افزایش مشابه در قیمت کوکائینی که از آن به‌دست می‌آید نیست. بدین ترتیب، سه برابر شدن قیمت برگ لازم برای تولید یک کیلوگرم کوکائین باعث ۲٪ افزایش قیمت خرده‌فروشی می‌شود. همچنین این الگو بیانگر این نکته است که افزایش هزینهٔ تولید کوکائین در کلمبیا باعث افزایش ضعیف قیمت خرده‌فروشی در امریکا می‌گردد و قاچاقچیان در کشورهای تولیدکننده تشکیل یک انحصار چندجانبه می‌دهند که به شکل کارتل خیلی ضعیفی است.

۲ـ۱ـ۲) مرحلهٔ توزیع عمده

در این مرحله نیز مشاهده می‌شود که انحصار به‌صورت چندجانبه و به شکل کارتل ضعیف عمل می‌کند. حمل مواد مخدر از مرزهای کشور تولیدکننده به شهرهای بزرگ دنیا

(برای مثال شهرهای امریکا) با واسطهٔ چندین سازمان جنایی است که به‌صورت ناهماهنگ عمل می‌کنند. اما بازار مواد مخدر آن‌قدر فعال هست که خریداران عمده واردکنندگان را به رقابت وادارند. بررسی بازار عمدهٔ مواد مخدر نظر محققان بسیاری را به خود جلب کرده است زیرا در این قسمت از بازار است که می‌توان سازمانهای جنایی کشورهای مصرف‌کننده را شناسایی کرد.

رویتر و کوپ (۱۹۹۶) نیز الگویی را پیشنهاد کرده‌اند که در آن، ساختار بازار عمده‌فروشی در کشور مصرف‌کننده تعیین شده است. براساس این الگو، در سطح عمده‌فروشی، قدرت فروشندگان مواد مخدر برای تأثیر دادن افزایش هزینه‌ها در قیمتها به‌صورت درون‌زا تعیین می‌شود و این به‌دلیل خطری است که از طریق ورود خرده‌فروشان به بازار به‌دلیل افزایش قیمتها آنها را تهدید می‌کند. به‌نظر می‌رسد که بازار مواد مخدر به‌صورت انحصار چندجانبه است که در قالب گروههای رقابتی و سازمانهای جنایی عمل می‌کند. این بازار زیر فشار شدید قاچاقچیان حاشیه‌ای قرار دارد که مایل به عبور از موانع ورود به‌منظور استفاده بردن از سود سرشار این موقعیت هستند.

این دیدگاه توضیحی در مورد پیدایش قیمتهای مواد مخدر به‌دست می‌دهد. هنگامی که قاچاقچیان وابسته به سازمانهای جنایی باشند، خود را با تطمیع، خشونت، حیله و نیرنگ از سرکوب دولتها دور نگه می‌دارند. در چنین شرایطی، خطر دستگیر شدن کاهش می‌یابد و قیمتهای بالا سود سرشاری را عاید می‌کند. برعکس، فروشندگان خرد مسلماً در معرض خطر بیشتری قرار دارند و این خطر هزینهٔ واقعی برای آنها محسوب می‌شود. از طرف دیگر، قیمت آن قدر بالا نیست که بتوانند به‌طور دائمی در بازار باقی بمانند. به همین دلیل است که بازار عمدهٔ مواد مخدر مورد هجوم داوطلبان طالب سود قرار نمی‌گیرد. نداشتن روابط خاص و ندانستن چگونگی انجام دادن بعضی از کارها باعث می‌شود که خرده‌فروشان نتوانند جایی دائمی در بازار برای خود پیدا کنند. بنابراین خطری که خرده‌فروشان (قاچاقچیان کوچکتر) را تهدید می‌کند برای عمده‌فروشان مواد مخدر وجود ندارد و به‌همین دلیل بازار مواد مخدر به‌صورت انحصار چندجانبه است.

۲ـ۱ـ۳) فروش مواد مخدر در سطح خرده‌فروشی

قیمت خرده‌فروشی مواد مخدر بسیار بالاست زیرا ضرایب حاشیه‌ای فروشندهٔ جزء به اندازهٔ نزدیکی وی به مصرف‌کنندهٔ نهایی اهمیت دارد. به‌عبارت دیگر، فروشندگان جزء قیمت را با ضرب کردن قیمت خرید مواد در ضریب حاشیه‌ای خطر تعیین می‌کنند. در نهایت، فروشندهٔ جزء در انتهای زنجیره فقط قادر است خطر را در مقدار کمی از مواد مخدر سرشکن کند.

بنابراین، تفاوت زیاد بین قیمت خرید فروشندگان جزء و قیمت عرضه به مصرف‌کنندهٔ نهایی به‌صورت سود باقی نمی‌ماند. یک قسمت مهم از این سود حاشیه‌ای برای پوشش دادن هزینهٔ خطر صرف می‌شود. بسیاری از تحلیلگران فراموش می‌کنند که احتمال خطر را به‌منزلهٔ یک هزینه در نظر بگیرند و در نتیجه، سود را بیش از میزان واقعی محاسبه می‌کنند. این بحث در زمانی بسیار داغ شد که انتقادهای شدیدی نسبت به صحت سیاستهای مبتنی بر سرکوب ابراز شد. از صاحب‌نظران آزادیخواه مانند فریدمن گرفته تا رادیکالها مانند هنری با ممنوعیت مواد مخدر مخالفت می‌کنند و معتقدند که سرکوب قاچاقچیان باعث افزایش سود و منفعت این افراد می‌شود. زیرا آنها از جلوگیری و منع پلیس در مورد مواد مخدر سوءاستفاده و سود را بیشتر می‌کنند و افزایش قیمت مواد مخدر را بدین وسیله توجیه می‌کنند.

ابهاماتی نیز در این زمینه وجود دارد: اگر سرکوب و منع تأثیری در قاچاقچیان ندارد، چرا مصرف‌کنندگان در مقابل افزایش قیمت و کاهش مصرفی که فروشندگان جزء به آنها تحمیل می‌کنند واکنشی نشان نمی‌دهند؟ چرا فروشندگان باید برای افزایش قیمت نیاز به بهانهٔ سرکوب و ممنوعیت داشته باشند؟ آنان با تسلط و نفوذی که بر مصرف‌کنندگان دارند، هر زمانی که مایل به افزایش قیمتها باشند، این کار را انجام می‌دهند. اگر هم ممنوعیت واقعاً قاچاقچیان را تهدید می‌کند، پس افزایش قیمت همراه با آن هیچ‌گونه سودی در بر ندارد جز اینکه افزایش خطر را پوشش می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که جلوگیری و منع مواد مخدر به نفع قاچاقچیان تمام می‌شود زیرا به آنها اجازهٔ افزایش قیمتها و در نتیجهٔ افزایش سود را می‌دهد. در ضمن، خطر ورود قاچاقچیان کوچک به‌دلیل افزایش قیمت از میان می‌رود.

۳) درآمدهای حاصل از قاچاق مواد مخدر

سال ۱۹۹۰ GAFI (گروه فعالیت مالی تشکیل شده در سال ۱۹۸۹ بعد از کنفرانس G7 در مورد قاچاق مواد مخدر) درآمد حاصل از همه‌گونه مواد مخدر در امریکا و اروپا را ۱۲۲ میلیارد دلار ارزیابی می‌کند. درآمد حاصل از مواد مخدر به‌صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود: ۶۱٪ (۷۴/۴ میلیارد دلار) از طریق فروش حشیش و ماری‌جوانا، ۲۹٪ (۳۵/۳۸ میلیارد دلار) از طریق فروش کوکائین و ۱۰٪ (۱۲/۲ میلیارد دلار) از طریق فروش هروئین. میزان بالای فروش حشیش و ماری‌جوانا تعجب‌برانگیز است اما باید متذکر شد که فقط در امریکا ۹ میلیون نفر معتاد دائمی و چندین میلیون نفر مصرف‌کنندهٔ اتفاقی از این مادهٔ مخدر استفاده می‌کنند.

۳ـ۱) شاخه‌های قاچاق (مبادله‌های غیرقانونی)

شاخه‌های سازمانهای مختلف مواد مخدر شامل ۳ سطح است: تولید، قاچاق بین‌المللی و توزیع نهایی. سلسله‌مراتب در این سازمانها به این صورت است که در بالا و پایین آن، صدها هزار عامل به تولید و توزیع مشغولند، درحالی‌که در وسط آن، قاچاق بین‌المللی فقط در دست یک گروه بسیار محدود از عوامل متمرکز شده است.

شیری (۱۹۹۴) پنج گروه عامل قاچاق را برشمرده است: تعداد بسیار زیادی از کشاورزان، بین ۲۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار در بولیوی و ۴۵ هزار تا ۷۰۰ هزار در پرو، که در اکثر اوقات ظاهراً به‌صورت مستقل و گاهی اوقات زیر نظارت گروههای جنایی سازمان‌یافته کار می‌کنند؛ تعداد زیادی از قاچاقچیان واسطه‌ای در گروههای کم و بیش مستقل و سازمان‌یافته؛ تعدادی عرضه‌کنندهٔ خدمات کمکی به دو گروه قبلی؛ تعداد زیادی عوامل دولتی و خصوصی اغواشده توسط سه گروه قبلی؛ تعداد نامحدودی فروشندهٔ خرد نهایی که یا مستقل‌اند یا وابسته به گروه جنایی.

شیری، براساس محاسبهٔ انستیتوهای تخصصی در امریکا، موقعیت نسبی عوامل مختلف قاچاق مواد مخدر را در توزیع متوالی درآمد فروش بین سطوح مختلف زیرشاخه‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲ـ قیمت یک کیلوگرم هروئین

مرحلهٔ تبدیل	مبدأ[۱]		
	آسیای جنوب شرقی	آسیای جنوبی	مکزیک
تریاک[۲]	۳۶۵ دلار شمال برمنی، ۲۲۰۰ دلار مرز برمنی ـ تایلند	۶۰۰ـ۲۳۰ دلار مرز افغانستان ـ پاکستان	۸۰۰۰۰ ـ ۱۵۰۰۰ دلار
هروئین ـ شالوده	۱۳۰۰ـ۱۱۰۰ دلار پالایشگاههای مرزی	۳۵۰۰ـ۲۰۰۰ دلار پالایشگاههای مرزی	ـ
هروئین ـ شالوده (۱ کیلوگرم)	۱۳۰۰ـ۱۱۰۰ دلار پالایشگاههای مرزی	ـ	ـ
هروئین (۱ کیلوگرم)	۳۲۰۰ـ۲۴۰۰ دلار چیانگ‌مای ـ تایلند، ۱۱۰۰۰ ـ ۷۰۰۰ دلار بانکوک	۱۰۰۰۰ـ۴۰۰۰ دلار پاکستان، ۱۶۰۰۰ ـ ۵۵۰۰ در خاورمیانه	ـ
مرحلهٔ توزیع	در امریکا (براساس سه منطقهٔ بالا)		
عمده‌فروشی	۲۰۴۰۰۰ ـ ۶۰۰۰۰ دلار	۱۸۰۰۰ـ۴۵۰۰ دلار	۱۳۰۰۰۰ ـ ۷۰۰۰۰ دلار
در خیابان[۳]	۵۰۰۰۰۰ ـ ۲۰۰۰۰۰ دلار	۸۰۰۰۰۰ ـ ۴۵۰۰۰۰ دلار	۲۷۰۰۰۰۰ ـ ۴۰۰۰۰۰ دلار

۱) درجهٔ خلوص هروئین آسیای جنوب‌شرقی بین ۷۰ تا ۹۵ درصد متغیر است، هروئین آسیای جنوب‌غربی بین ۵۰ تا ۹۵ درصد، هروئین مکزیک بین ۶۰ تا ۸۰ درصد. قیمتهای درج شده در جدول بستگی به درجهٔ خلوص دارد.

۲) ۱۰ کیلوگرم تریاک معادل ۱ کیلوگرم مرفین و هروئین بعد از تبدیل است.

۳) در حقیقت، درجهٔ خلوص هروئین وارد شده از آسیای جنوب‌شرقی در خیابان به‌طور متوسط ۴۰ درصد است (و قیمت هر گرم آن بین ۸۰ تا ۴۵۰ دلار متغیر است). هروئین وارداتی از آسیای جنوب‌غربی با درجهٔ خلوص متوسط ۱۰٪ درصد است (قیمتها به همان ترتیب تغییر می‌کنند). هروئین واردشده از مکزیک دارای دو نوع کیفیت است: پودر خاکستری با درجهٔ خلوص متوسط ۱۷٪ بین ۸۰ تا ۴۵۰ دلار و هر گرم قطران سیاه با درجهٔ خلوص متوسط ۴۰٪ با قیمت ۱۵۰ تا ۴۰۰ دلار به‌فروش می‌رسد.

منبع: شیری ۱۹۹۴ با استفاده از داده‌های Drug Enforcement Administration (DEA). (1990) "From the Source to the Street-Mid 1990 Prices for cocaine, Heroin and Marijuana."

جدول شمارهٔ ۳ـ قیمت ۱ کیلوگرم کوکائین (دلار)

سطح زیرشاخه	قیمت به کیلوگرم	سود برحسب کیلوگرم	ضریب حاشیه‌ای به کیلوگرم	سهم سود تراکمی در سود کل به کیلوگرم	سود به‌دست آمده برحسب مقدار کل
کاشت برگها	۷۵۰	—	—	—	—
صادرات (کلمبیا) ۱۷۰ تن	۲۰۰۰	۱۲۵۰	۲/۶	٪۱	۲۱۲ میلیون
واردات (میامی) ۱۷۰ تن	۱۵۰۰۰	۱۳۰۰۰	۷/۵	٪۱۱	۲/۲ میلیارد
عمده (فروش به کیلوگرم) خلوص ۸۰٪، ۲۱۲تن	۲۳۰۰	۸۰۰۰	۱/۵	٪۱۷	۱/۷ میلیارد
نیمه‌عمده (فروش به اونس) خلوص ۶۵٪، ۲۶۱تن	۴۷۰۰۰	۲۴۰۰۰	۳	٪۳۵	۶/۲ میلیارد
خرده‌فروشی (فروش به گرم) خلوص ٪۵۴، ۳۱۶ تن	۱۳۵۰۰۰	۸۸۰۰۰	۳/۶	٪۱۰۰	۲۷ میلیارد

منبع: داده‌های DEA, 1998 .

جدول ۴ـ قیمت ۱ لیور ماری‌جوانا به دلار

تایلند	کلمبیا	مکزیک
۱۰ـ۵ تولیدکننده	۳ مرکز کشاورزی	۱۰۰ـ۵۰
۳۸ـ ۲۸ صادرکننده	۵ محل حمل در امریکا (عمده‌فروشی)	۴۵۵ـ۱۳۶ مرز
۱۸۰۰ـ۸۰۰	۹۰۰ـ۵۵۰	۹۰۰ـ۳۷۵

منبع: شیری ۱۹۹۴ با استفاده از داده‌های DEA, 1990 .

سهم درآمد کشور تولیدکنندهٔ مواد مخدر به چه میزان است؟ شیری (۱۹۹۴) در مورد هروئین تخمین می‌زند که سهم کشور تولیدکننده ۳۰٪ از درآمد آن است. در مورد کوکائین کلمبیا داده‌های متعددی وجود دارد که وضعیت را مشخص می‌کند.

اولین مقیاس قیمت پرداخت شده به کشاورزان برای خرید محصولشان است. هر گرم کوکائین خرده‌فروشی در امریکا ۱۰۰ دلار و بدین ترتیب قیمت یک کیلوگرم آن ۱۰۰۰۰۰ دلار است. کافی است که چند صد دلار به کشاورزان پرداخت و محصول آنها را کلا به ۰/۱ درصد درآمد نهایی خریداری کرد. همچنین باید سود به‌دست آمده از شاخهٔ تبدیل و ارسال کوکائین تصفیه‌شده به بندرهای بارگیری را نیز در نظر گرفت. شیر (۱۹۹۴) درآمد نهایی کلمبیا را در حدود ۱٪ در نظر می‌گیرد. برای داشتن تصوری صحیح از سود کوکائین در کلمبیا باید قیمت عمده‌فروشی و نیمه عمده‌فروشی را که کلمبیاییهای ساکن خارج انجام می‌دهند نیز در نظر گرفت. بدین منظور ابتدا باید ارزش صادراتی کوکائین و ارزش آن در امریکا را با هم مقایسه کرد. سپس باید ارزش سود به‌دست آمده از عمده‌فروشی در خارج را محاسبه کرد.

هنگامی‌که کوکائین به امریکا رسید به‌صورت عمده به فروش می‌رسد. اما سهم کلمبیا در سود به‌دست آمده چقدر است؟ محاسبهٔ سهم فوق کار سهل و آسانی نیست، زیرا باید ملیت شاخه‌های کنترل قاچاق مواد مخدر در کشور مصرف‌کننده شناخته شود.

در مورد کلمبیا، کالمانویتز (۱۹۹۳) مطالعهٔ بسیار کاملی انجام داده است. براساس نظر وی، کوکائین در سال ۱۹۹۲، ۲/۹ میلیارد دلار درآمد داشته است. اگر صادرات ماری‌جوانا ۳۰۰ هزار دلار و هروئین ۵۰۰ هزار دلار بوده باشد، سود صادرات مواد مخدر برای کلمبیا به ۴ میلیارد دلار بالغ می‌شود.

براساس آمار GAFI، فروش عمده ۵/۱ میلیارد دلار و فروش به مصرف‌کنندگان ۲۸/۸ میلیارد دلار ارزش دارد. سود حاصل بالغ بر ۳۱ میلیارد در بازار خرده‌فروشی و ۵ میلیارد در بازار عمده‌فروشی است. با در نظر گرفتن این نکته که کلمبیا انحصار توزیع کوکائین را خود در اختیار دارد، درآمد کل آن بیش از ۱۰٪ خواهد بود. بنابراین ۵ میلیارد دلار به آنها

تعلق می‌گیرد که این رقم معادل ۱۰٪ GDP کلمبیاست. اما فقط ۲ تا ۳ میلیارد دلار از آن به کلمبیا برگردانده می‌شود.

در مورد سایر کشورها اطلاعات زیادی در دست نیست. اما می‌توان اذعان کرد که فروش کوکا در اقتصاد کشورهای بولیوی و پرو جایگاه بسیار مهمی را اشغال کرده است.

جدول ۵ ـ جایگاه کوکا در اقتصاد کشورهای پرو و بولیوی

	بولیوی	پرو
ارزش تولید کوکا (میلیون دلار)	۱۳۳_۳۱۳	۸۶۹_۳۰۰۰
صادرات کوکا (میلیون دلار)	۱۳۲_۸۵۰	۲/۱_۶۸۸
درآمد کل (میلیون دلار)	۲۴۶_۴۴۲	۱/۲_۷۴۳
تعداد مشاغل (درصد میلیارد)	۲۰۷_۴۶۳	۱۴۵_۷۰۰
سطح کشت	۳۵۰۰۰_۵۵۴۰۰	۱۱۵۵۳۰_۱۶۶۵۰۰

جدول ۶ـ سهم اقتصاد ناشی از کوکا (به درصد)

در GNP	۶_۱۹	۲_۱۱
در صادرات	۱۵_۹۸	۱۴_۷۸
در بدهیهای خارجی	۷_۲۵	۳_۱۸

منبع: NCIS, 1989 .

ارزیابیهای متفاوتی که از نظر گذشت، تنها به عواید کشاورزان اشاره کرده است و سود سرشار عوامل کشورهای اطراف کوههای آند که در قاچاق مواد مخدر نقش مؤثری ایفا می‌کنند نادیده گرفته شده است.

۳ـ۲) سهم خرده‌فروشهای جزء

هنوز هم اسرار بسیار زیادی در مورد شاخهٔ فروش مواد مخدر فعال در کشورهای

مصرف‌کننده وجود دارد. اگرچه تاکنون فرضیه‌های موجهی دربارهٔ قاچاق مواد مخدر ارائه شده است، اما دربارهٔ اینکه چگونه مواد مخدر به‌دست مصرف‌کننده می‌رسد اطلاعات زیادی در دست نیست. سازمانهای بزرگ جنایی و خرده‌فروشهای جزء مستقل چه نقشی را ایفا می‌کنند؟ آیا خرده‌فروشهای جزء از تجارت خود نفعی هم می‌برند؟ بعضی از عوامل پاسخ در مورد نقش خرده‌فروشان موجود است، اما به‌طور کلی تمامی رفتارها و فعالیتهای واسطه‌ها (dealers) که بین عمده‌فروشی و خرده‌فروشی جای گرفته‌اند برای ما ناشناخته است (فروش مقادیر مواد مخدر از ۱۰ تا ۱۰۰ گرم).

۳ـ۲ـ۱) در امریکا

برای شناخت عملکرد محله‌هایی در امریکا که در آنها فعالیت کاملاً آشکار خرید و فروش مواد مخدر وجود دارد رویتر مک‌کان و مورفی (۱۹۹۱) تحقیقی را در مورد جمعیت دستگیرشد بین سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۷ برای فروش مواد مخدر در محلهٔ کلمبیا در واشنگتن انجام داده‌اند. با وجود محدودیت منطقهٔ جغرافیایی، این تحقیق مکمل مطالعات قبلی است. نکتهٔ قابل توجه در این تحقیق نه مصرف مواد مخدر بلکه اهمیت تجارت کوچک مواد مخدر در خیابان است.

خلاصهٔ نتایج به‌دست آمده به‌شرح زیر است: طبق آمار دستگیرشدگان، قاچاقچیان خیابانی اکثر سیاهپوست هستند (۹۹٪)، ۴۰٪ آنها بین ۱۸ تا ۲۴ سال سن دارند و ۹۰٪ مذکرند. سطح سواد این افراد پایینتر از حد متوسط است و سابقهٔ خاصی در بزهکاری ندارند و دستگیریهای قبلی آنها به دلایل متفاوتی بوده است. نسبت تعداد افراد دستگیرشده به کل جمعیت نشان‌دهندهٔ شرکت فعال افراد محله در خرید و فروش مواد مخدر است. ۱۰٪ متولدین سال ۱۹۵۷ بین سالهای ۱۹۸۷ـ۱۹۸۵ متهم در امر مواد مخدر بوده‌اند. این رقم در افراد متولد بین سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۳ در حدود ۱۱٪ است. احتمال اتهام یک نوجوان ۱۹ سالهٔ سیاهپوست ساکن محله در امر مواد مخدر در سال ۱۹۸۶ تقریباً ۳۳٪ است. این ارقام را باید با شرایط زندگی سیاهان ساکن در محله ارتباط داد: در سال ۱۹۸۶، ۸۲٪ افرادی که در فقر مطلق زندگی می‌کرده‌اند سیاهپوست بوده‌اند. تحقیق دیگری در بین

سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵ در کالیفرنیا نشان می‌دهد که ۶۶٪ سیاهپوستان متولد ۱۹۵۶ بین ۱۸ تا ۲۹ سالگی حداقل یک‌بار دستگیر شده‌اند (در مقابل ۳۴٪ درصد سفیدپوستان). بین سالهای ۱۹۷۹ـ۱۹۷۲، ۱۰٪ افراد سیاهپوست زندانی بوده‌اند (در مقابل ۲/۴٪ سفیدپوستان) (نمونه‌گیری از ۱۲۰۰۰۰ نفر با سن ۱۴ تا ۲۱ سال در سال ۱۹۷۹).

نتایج مطالعهٔ رویتر، مک‌کان و مورفی (۱۹۹۱) مخالف این ایدهٔ بسیار رایج است که خرید و فروش مواد مخدر به‌نحوی باعث جریان یافتن مداوم درآمد به‌طرف محله‌های محروم می‌شود. این محققان به درآمد خالص حاصل از مواد مخدر اشاره دارند. به دیگر سخن، کسر از مصرف مواد مخدر توسط فروشنده صورت می‌گیرد. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که درآمد خالص بستگی زیادی به تعداد روزهای فعالیت دارد. با در نظر گرفتن این عوامل، درآمد متوسط سالانه در حدود ۱۰ هزار دلار تخمین زده می‌شود، یا ۳۰ دلار در ساعت، که به‌خوبی نشان‌دهندهٔ تفاوت فاحش بین درآمد حاصل از مواد مخدر و درآمد یک کارگر بدون مهارت است (اولی تقریباً ۵ برابر بیشتر است). درآمد یک فروشندهٔ مواد مخدر که فقط چند روز در هفته کار می‌کند حدود ۱۲۰ دلار خالص در ماه است. رویتر و همکارانش مطلب فوق را توسعه داده و نشان می‌دهند که در منطقهٔ مورد مطالعهٔ آنها، درآمد قانونی جمعیت سیاه‌پوست بین ۱۸ تا ۴۰ سال نزدیک به ۱/۲ میلیارد در سال ۱۹۹۸ بوده که به این مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار درآمد حاصل از خرید و فروش مواد مخدر در خیابان اضافه می‌شود که معادل ۲۰٪ درآمد این گروه است.

تفاوت بین درآمد سالانه و سهم نسبتاً مهم درآمد حاصل از خرید و فروش قاچاق در گروه مذکور بیانگر ضعیف بودن درآمد متوسط آنهاست. برای اینکه دیدگاهی جامع و کامل از موضوع داشته باشیم، لازم است نقش سرکوب و جلوگیری از قاچاق را نیز مدنظر قرار دهیم. در منطقهٔ مورد مطالعه، ۲۴۰۰۰ فروشندهٔ اتفاقی و ۱۴۰۰۰ فروشندهٔ دائمی وجود دارد. این افراد در مقابل مخاطرات متعددی قرار دارند: ۱/۴٪ احتمال کشته شدن، ۷٪ احتمال زخمی شدن بسیار شدید و ۲۲٪ احتمال زندانی شدن وجود دارد. مقایسهٔ درآمد جمعیت مصرف‌کننده ـ فروشنده که کم‌وبیش حرفه‌ای نیز هستند با درآمد افرادی که صرفا

خرید و فروش مواد مخدر انجام می‌دهند و خود معتاد نیستند، نتیجه می‌گیریم که افراد گروه اول درآمد چندانی از تجارت مواد مخدر نصیبشان نمی‌شود.

۳ـ۲ـ۲) در فرانسه

با وجود در دسترس نبودن اطلاعات و آمار در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی در مورد مواد مخدر، شیری (۱۹۹۴) تحقیقی در ۶ محلهٔ محروم و بی‌بضاعت انجام داده است. هرچند که محدودهٔ جغرافیایی تحقیق بسیار محدود است، اما نتایج به‌دست آمده جالب توجه‌اند. با آنکه مصرف حشیش بسیار رایج است، مصرف هروئین بسیار کم و حداقل است. برای مثال، بررسی در محله باساکیتی با جمعیتی برابر با ۲۸۰۰۰ نفر (۲۲٪ از آنها ۱۸ تا ۲۴ سال سن دارند و ۱۷٪ آنها جمعیت خارجی و مهاجر هستند. میزان بیکاری در این محله بیشتر از میزان متوسط بیکاری در فرانسه است و یک پسر جوان از هر سه نفر جوان بیکار است) نشان می‌دهد که ۸۰٪ پسرهای بین ۱۵ تا ۳۰ سال مصرف‌کنندهٔ دائمی حشیش‌اند و جمعیت مصرف‌کنندگان دختر بالغ بر ۵۰٪ است و شمار مصرف‌کنندگان دائمی هروئین در حدود ۵۰ نفر است. قاچاق حشیش به‌صورت مصرف‌کننده ـ فروشنده است که درآمد خالص بسیار اندکی را نصیب افراد می‌سازد. قاچاقچیان هروئین در حدود ۵ نفرند که ظاهراً فقط یکی از آنها درآمد بلندمدت و قابل توجهی کسب می‌کند. نتایج حاصل از این تحقیق نمایانگر آن است که سود حاصل از قاچاق مواد مخدر در این محله ناچیز است و به‌همین ترتیب، تعداد محدود افرادی که از قاچاق مواد مخدر درآمد دارند ایدهٔ رقابت اقتصاد زیرزمینی با اقتصاد قانونی را باطل می‌سازد.

مطالعه در محلهٔ دیگری نتایج مشابهی به‌دست می‌دهد. از بین ۱۵۰۰۰۰ نفری که در این محله زندگی می‌کنند، ۴۷٪ آنها کمتر از ۲۰ سال سن دارند. و میزان بیکاری در این محله حدود ۲۱٪ است. تقریباً ۸۰٪ جوانان این محله از حشیش استفاده می‌کنند و مصرف‌کنندگان هروئین حدود ۱۳۰ نفرند.

قاچاق مواد مخدر را ۵ نفر (با خرید و فروش به‌صورت کیلویی اما در سایر نواحی) و تعداد زیادی مصرف‌کننده ـ فروشنده که سود بسیار ناچیزی عایدشان می‌شود انجام

می‌دهند. تحقیق مزبور همچنان نشان می‌دهد که هزینهٔ ناشی از مواد مخدر بسیار بیشتر از سود ناشی از آن برای این محله است.

شیری و گروه وی در خاتمه نتیجه می‌گیرند که درآمد حاصل از قاچاق مواد مخدر برای عاملان آن بسیار ناچیز است. باید متذکر شد که جریان خالص درآمدهای به‌دست آمده در محله‌ها مربوط به مخارج مصرفی مواد مخدر است که باعث فقیر شدن محله‌های مزبور می‌شود.

در اینجا یک سؤال متدولوژی اساسی مطرح می‌شود: تحقیق شیری مطالعه‌ای است قومی ـ جامعه‌شناختی که قاچاق را فقط در بعد تحولات اجتماعی آن بررسی می‌کند. چنین انتخابی باعث پنهان شدن واقعیتهای قاچاق در محیطهای جنایی سنتی به نفع تمرکز بیش از حد بر مصرف‌کنندگان می‌شود و شاید بهتر این باشد که تحقیقات آتی در محیطهای جنایی و سازمان‌دهی‌شده انجام گیرد.

۴) سازماندهیهای جنایی

سؤال اساسی که در این مورد مطرح می‌شود آن است که چگونه قاچاقچیان سازمان‌یافته می‌شوند. قاچاق مواد مخدر منابع درآمدی جدیدی برای سازمانهای جنایی فراهم آورده و باعث شده است که تغییرات عمیقی در ساختار سازمانهای خود به‌وجود آورند. سازمانهای دست‌اندرکار تولید و تجارت مواد مخدر چه خصوصیاتی دارند؟ به‌عبارت دیگر، آیا می‌توان از کارتل، مافیا، هسته یا شبکه در نوع سازماندهی آنها بحث کرد؟

۴ـ۱) نظریهٔ انحصار جنایت سازمان‌یافتهٔ بوچانان

نظریهٔ انحصار جنایت سازمان‌یافتهٔ شلینگ (۱۹۶۷) و بوچانان (۱۹۷۳) پیشنهاد می‌کند که نتایج حاصل از مشاهدهٔ بازارهای رایج و متداول اقتصاد خرد صنعتی به بازارهای غیرقانونی تعمیم یابد. این روش آنان را به پیش‌بینیهایی در مورد ظرفیت جنایت سازمان‌یافته و تحمیل انحصار آن بر فعالیتهای جنایی هدایت کرده است. موفقیت در ایجاد

انحصار، سازمانهای جنایی را قادر به از بین بردن رقابت باندهای کوچک تبهکاری که قصد دست‌درازی و تجاوز به حریم آنها را دارند می‌کند. بنابراین، ورود به دنیای فعالیتهای جنایی با موانع متعددی محدود می‌شود (وسواس اخلاقی، شناخت نداشتن از شرایط باندها و غیره). چنین موانعی به انحصار و تداوم سودهای کلان و غیرمتعارف کمک می‌کند. بازار فعالیتهای غیرقانونی مشابه یک بازار معمولی فرض شده است و مخاطرات ناشی از دستگیری، سرکوب و جلوگیری، هزینه‌های اضافی تلقی می‌شود که باعث انتقال منحنی عرضه به‌طرف بالا می‌شود. بنابراین، قیمتهای رایج بسیار بالا و مقادیر مبادله‌شده بسیار کم هستند. به‌همین دلیل بوچانان آن را مزیتی قطعی برای انحصار می‌داند. وی متذکر می‌شود که یک سازمان جنایی انحصاری با فروش مقدار کالای تولیدشدهٔ کمتر از رقبا به قیمتی بسیار بیشتر، برتری و سود خود را به حداکثر می‌رساند.

مطالعات جدیدتر با نظریهٔ انحصار برتر در حکم شکلی طبیعی از ساختار جنایی مخالفت می‌کنند. در مورد ساختار بازار، رویتر (۱۹۹۳ـ۱۹۹۱) و کلیمن (۱۹۸۹) به مشکلات سازمانهای جنایی در بستن قطعی بازار مواد مخدر به روی داوطلبان ورود به بازار به‌منظور تحمیل انحصار خود اشاره می‌کنند. رویتر افشا می‌کند که اسطورهٔ مافیا دیگر قدرت کافی را، حتی برای نگه‌داشتن سازمان خود در حد معروفیت آن، ندارد. وی می‌گوید که مافیا تمرکز بسیار ضعیفی دارد و هزینه‌های گزافی را برای هماهنگی و سازماندهی خود می‌پردازد که از عملکرد غیرقانونی آن ناشی می‌شود. کمبود اطلاعات قابل دسترس و ضعف تعریف قوانین مالکیت، هر یک از زیر گروههایی مافیا را از یک قسمت از سودی که از استقرار خود باید به‌دست آورند محروم می‌نماید.

این ادعا را که جنایت سازمان‌یافته دارای قدرتی است که می‌تواند با ایجاد موانع از ورود داوطلبان جدید جلوگیری کند (بوچانان، ۱۹۷۳) می‌توان به‌طور نسبی پذیرفت. اما هیچ‌گونه نشانه‌ای از اینکه قاچاقچیان بزرگ دارای قدرتی انحصاری هستند وجود ندارد. رقابت شدیدی که بین آنها وجود دارد این تصور را القا می‌کند که بازار مواد مخدر دارای ساختاری با روش انحصار چندجانبهٔ غیرکارتلی است که اعضای آن در جنگ قیمتها هستند.

ظرفیت و قابلیت فراهم کردن مبالغ لازم برای فعالیتهای غیرقانونی (شبکه، ارتباطات، تطمیع و غیره) نقش اساسی در ورود به بازار دارد. دسترسی به منابع مذکور به خودی خود مستلزم به‌کارگیری روشهای گوناگونی است. بی‌تردید قاچاقچیان بزرگ از این منابع برخوردارند و بنابراین سطح هزینه‌های آنها کاهش می‌یابد. برعکس، قاچاقچیان کوچکتر داوطلب ورود به بازار، با حساسیت بالا نسبت به مخاطرات هزینه‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. بنابراین قاچاقچیان بزرگ، در سایهٔ موانع ورود به بازار، به فعالیتهای غیرقانونی خود ادامه می‌دهند، اما به‌طور قطع عبور از موانع غیرممکن نیست.

در حقیقت، داوطلبان ورود به بازار مواد مخدر، با شدت گرفتن سیاستهای جلوگیری و سرکوب و افزایش قیمت ناشی از آن، می‌توانند ورود خود را به بازار ساده‌تر و سهلتر عملی کنند. چنین افزایش قیمتی باعث افزایش سود حاصل از مواد مخدر برای قاچاقچیان کوچکتر می‌شود و در نتیجه ورود آنها را به بازار سریعتر می‌کند. به‌علاوه، باید حساسیت متفاوت افراد نسبت به خطر را نیز در نظر گرفت. هزینهٔ خطر برای همهٔ قاچاقچیان یک‌اندازه نیست. با اینکه بعضی از قاچاقچیان کوچک از باندی که از آنها حمایت مفید کند محروم هستند، بعضی از آنان به بازار رخنه می‌کنند و با قاچاقچیان بزرگ به رقابت می‌پردازند. بعضی از آنها که واقعاً خطرپذیرند از مزیت بسیار بالایی برخوردارند و هزینه‌هایی را که دیگران تحمل می‌کنند نمی‌پردازند.

مشاهداتی که در بالا از آنها صحبت شد به‌خوبی نشان می‌دهد که دیدگاه گرایش به انحصار در فعالیتهای جنایی خرید و فروش مواد مخدر از چندین سال قبل متزلزل شده است. در غیاب انحصار واقعی جنایی، دیگر نمی‌توان تصور کرد که محدودیتی در عرضهٔ مواد مخدر وجود داشته باشد و بی‌ثباتی موانع ورود و نفوذپذیری نسبی آنها حاکی از آن است که عرضهٔ مواد مخدر بسیار فراوان است. آیا جامعه باید از فقدان انحصار قاچاقچیان متأسف باشد؟ اگر عواقب جانبی فعالیتهای جنایی را خشونت و تباهی جامعه در نظر بگیریم، به‌نظر می‌رسد که برای تصمیم‌گیرندگان دولتی انتخاب میان شرایطی که یک گروه کوچک قاچاقچیان بازار را به انحصار می‌گیرند و جلوگیری از رقابت بین تأمین‌کنندگان بی‌نتیجه باشد.

۴ـ۲) آیا تجدیدنظری باید صورت گیرد؟

با در نظر گرفتن تأثیر عوامل محیطی نهادی در تعیین این مسئله که عوامل با همکاری یکدیگر یا به‌صورت رقابتی عمل کنند، می‌توان تصور کرد که ممنوعیت مواد مخدر شیوهٔ نهادی خاصی است که عوامل را در دنیایی از معاملات غیرقانونی غوطه‌ور می‌سازد و باعث پیدایش انواعی از سازمانهای خاص می‌شود که اقتصاد ناشی از هزینه‌های داد و ستد را توضیح می‌دهد.

اولین ویژگی معاملات غیرقانونی آن است که افراد از هرگونه امکانات متوسل شدن به قانون محروم می‌سازد. فشار تهدیدات شرکا، متعهدان را وادار به ایفای مسئولیتها و تعهدات خود می‌کند: ویژگی غیرقانونی بودن داد و ستدها باعث تسهیل رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌شود. خشونتهای شخصی نیز ترمزی برای فرصت‌طلبیها به‌شمار نمی‌رود تا تعهدکنندگان مجبور به باقی ماندن در همان رابطه و همان بازار باشند. رواج خرید و فروش مواد مخدر، در مقایسه با دیگر فعالیتهای جنایی مانند بازیهای غیرقانونی یا روسپی‌گری، پایین بودن هزینه‌های ثابت آن اکثر اوقات وسوسهٔ گسستن قرار داد و فریب طرف مقابل را در افراد برمی‌انگیزد.

قوانین جدید به‌طور دائم برای عوامل متوالی اقتصاد مواد مخدر وضع می‌شود و بدین ترتیب سازماندهیهای قبلی بازار به سازماندهیهای جدید تبدیل می‌شود.

غیرقانونی بودن داد و ستدها و نبود باندهای ثابت باعث به‌وجود آمدن پیچیدگیها و ابهامات عدیده‌ای می‌شود، و این مشکلات سبب بروز رفتارهای غیرعقلانی از جانب عوامل می‌گردد. نحوهٔ عملکرد اقتصاد مواد مخدر تغییر شکل می‌یابد بدون آنکه به وضعیتی ایستا منتهی شود. حرکتها و جنبشها، از نظر عواملی که آنها را ایجاد می‌کنند، حاصل راهبردهای عقلانی متشکل از مبادلهٔ اطلاعات مبهم و مشکوک و رفتارهای کم و بیش عقلایی و فرصت‌طلبانه است.

از دیدگاه رویتر (۱۹۸۳)، فقدان مقررات مکتوب در مورد فعالیتهای عوامل، واسطه‌ها را در معرض قرار گرفتن در بازار غیرقانونی با هزینه‌های مبادلهٔ بسیار بالا قرار می‌دهد. هزینه‌ها بستگی به مخارج تطمیع (کارتیر ـ برسون (۱۹۹۴)) به‌منظور تضمین حمایت از خرید و فروش و مخارج نگهداری از ارتشی کوچک و خصوصی برای حفاظت از

قاچاقچیان دارد. توروانی (۱۹۹۴) نیز متذکر می‌شود که چگونه ابهام و تردید و عقلانیت محدود عوامل باعث می‌شود که آنها افق کاری خود را بسیار محدودتر از بنگاههای سنتی تعیین کنند. در چنین شرایطی، عواملی که فعالیت غیرقانونی قاچاق مواد مخدر را در محیطی نهادینه شده با منع و سرکوب انتخاب می‌کنند، خود را در قالب گروههای متفاوت با بنگاههای سنتی سازماندهی می‌کنند و گاه نسبت به تغییرات محیطی خود واکنش عجیبی نشان می‌دهند.

شبکه‌ها ویژگیهای قابل توجهی دارند. از یک طرف، برخلاف بازارهای قانونی که عوامل آن سعی در به‌دست آوردن اطلاعات کامل و ایجاد تشکلهایی به‌منظور به حداقل رساندن هزینهٔ داد و ستد دارند، قاچاقچیان سازمان‌یافته به‌صورت شبکه‌ای از جریان اطلاعات جلوگیری و به دلایل امنیتی خط تولید را تقسیم می‌کنند. به همین دلیل سازماندهی باند به‌صورت عمودی نیست، در حالی که سلسله‌مراتب بنگاهها به‌صورت تقسیم کار فعالیتهای تولیدی است.

برعکس، تعداد افراد تشکیل‌دهندهٔ شبکه در باند، با اتصال کوتاه بین واسطه‌ها و مبالغ عملیاتها، به‌طور مستقیم افزایش یا کاهش می‌یابد. این انعطاف‌پذیری نشان‌دهندهٔ آن است که در امر خرید و فروش مواد مخدر نیاز به تخصص ویژه بسیار اندک است. چنین شکلی از انعطاف‌پذیری تخصصها مانع از استاندارد کردن کالاها و آیین دادرسی می‌شود. تولید امکان‌پذیر نخواهد بود مگر به قیمت سازماندهی مجدد و تعریف مجدد فعالیتهایی که داد و ستد را هدایت می‌کند. برخلاف بنگاههای قانونی، در اینجا تخصص همراه با ناپایداری است.

از طرف دیگر، سازماندهی شبکه‌ای، بهره‌وری خود را نه براساس بهره‌وری هر یک از عوامل که وظیفهٔ خود را انجام می‌دهند بلکه بر پایهٔ ظرفیت همهٔ افراد برای ایجاد بازارهای جدید کم و بیش مستقل از موقعیت آنها در باند اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین، هر یک از عوامل شبکه دائم سعی می‌کند، به موازات فعالیتش در باند، مستقل شود. همهٔ شبکه‌ها مشابه یکدیگر نیستند. باندهای کوکائین در امریکای جنوبی از قدیم سعی در گسترش کلی بازار داشته‌اند و نگرانی و بدگمانی نسبت به تحرک افراطی بعضی از اعضای خود ندارند. اما شرایط در باندهای هروئین آسیایی کاملاً متفاوت است. اطلاعات ما در این مورد بسیار

ناقص است. در نظر گرفتن آثار این سازماندهی به‌صورت شبکهٔ توزیع روی عرضه اجازه می‌دهد که پیش‌بینیهای زودرسی را در مورد مصرف مواد مخدر در محل تولید انجام داد.

همچنین در نظر گرفتن تأثیرات تقابل راهبردهای عوامل سازمان‌دهنده شبکه‌ها و دولتهای سرکوب‌کننده اجازه می‌دهد که بررسی مجددی در مورد آثار سیاستهای منع دولتی انجام دهیم.

۵) مواد مخدر در ایران

با وجود این حقیقت که قوانین در ایران مبتنی بر سرکوب و جلوگیری از گسترش کمّی مواد مخدر مانند تریاک، هروئین و مرفین است، متأسفانه شاهد گرایش روزافزون افراد بخصوص جوانان به مواد مخدر هستیم.

به‌منظور جلوگیری از قاچاق مواد مخدر از طریق مرزهای ایران به اروپا، در حدود ۳۲۰۰ پلیس ایرانی در درگیریهای مسلحانه کشته شده‌اند. البته ایران برای ممانعت از قاچاق مواد مخدر بخصوص از طرف مرزهای افغانستان، راهبردهای جدیدی اتخاذ کرده است، از قبیل کمک گرفتن از روستاییان محلی به‌عنوان نیروهای شبه‌نظامی.

جدول ۷ـ مواد مخدر غیرقانونی توقیف‌شده در جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۱ـ۱۹۹۶)
برحسب کیلوگرم

	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	تغییرات ۲۰۰۱/۲۰۰۰ به‌درصد
هروئین	۸۰۵	۱۹۸۶	۲۸۹۴	۶۰۳۰	۶۱۸۹	۴۰۰۱	٪-۳۴/۷
مرفین	۱۰۴۳۰	۱۸۹۲۵	۲۲۲۹۱	۲۲۷۶۴	۲۰۲۷۵	۸۶۶۸	٪-۵۷
تریاک	۱۴۹۵۷۷	۱۶۲۴۱	۱۵۴۴۵۴	۲۰۴۴۸۵	۱۷۹۰۵۳	۷۹۷۴۷	٪-۵۵
حشیش	۱۳۰۶۳	۱۱۰۹۶	۱۴۳۷۶	۱۸۹۰۷	۳۱۵۸۱	۴۶۰۸۴	٪+۴۶
سایر مواد	۴۷۱	۲۵۵	۲۴۸	۱۰۸۸	۱۴۹۵	۱۳۱۴	٪-۱۲

منبع: UNDCP, 2003 .

نمودار ۱ـ کل مواد مخدر توقیف‌شده در ایران

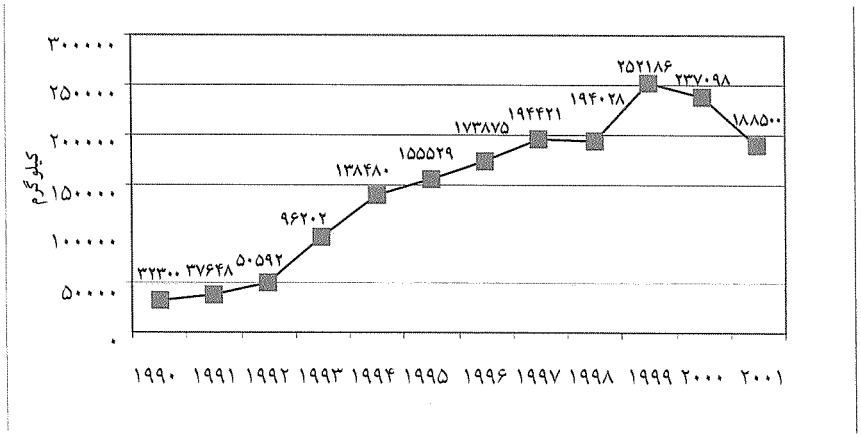

نمودار ۲ـ سهم هر یک از مواد مخدر در کل مواد مخدر توقیف‌شده (۲۰۰۱ـ۱۹۹۰) برحسب کیلوگرم

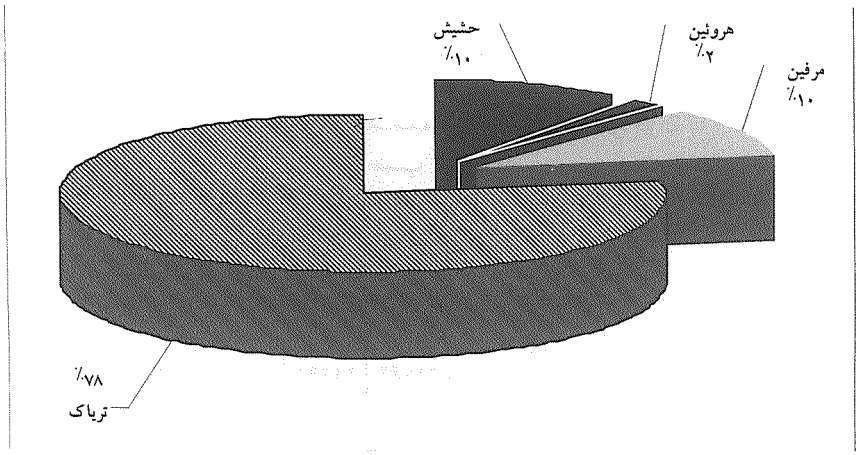

کل مواد توقیف‌شده از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ (کیلوگرم): تریاک=۱/۳۱۹/۸۵۷؛ مرفین=۱۷۴/۳۲۴؛ هروئین=۳۴/۴۹۲؛ حشیش= ۱۷۲/۱۷۳.

در سال ۲۰۰۱، بیش از ۳۰۰/۰۰۰ نفر با جرایم مربوط به مواد مخدر دستگیر شده‌اند.

تعداد کل زندانیان مواد مخدر حدود ۴۷٪ کل زندانیان در ایران است. در همین سال، تعداد زندانیان مرتبط با مواد مخدر ۸۳۳۰۸ نفر بوده است که از این تعداد، ۴۰۴۲ نفر ملیت خارجی (۹۵٪ افغانی) داشته‌اند.

براساس آخرین تحقیقات UNDCP و ستاد مبارزه با مواد مخدر، در سال ۱۹۹۹، ۱ تا ۲ درصد از جمعیت کشور با مشکل جدی سوءمصرف مواد مواجه بوده است (۸۰۰ هزار تا ۱/۵ میلیون نفر از ۶۵ میلیون نفر جمعیت کل). تخمین زده می‌شود که این رقم به ۲ میلیون نفر رسیده باشد. تریاک بالاترین میزان مصرف را دارد و بعد از آن هروئین قرار دارد. به‌تازگی مصرف حشیش نیز در بین جوانان رواج زیادی یافته است.

۵ـ۱) هزینه‌های کنترل مواد مخدر در ایران

طبق تحقیقات دفتر مطالعات علوم اجتماعی تهران، هزینهٔ مستقیم مراکز بازپروری در سال ۱۹۹۸ بیش از ۱/۱۳۶/۴۲۸ ریال برآورد شده است که معادل ۱۴۲ میلیون دلار امریکا با نرخ رسمی هر دلار ۸۰۰ تومان است. بودجهٔ در نظر گرفته شده برای این منظور در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۸۰ میلیون دلار بوده است که شامل مخارج مبارزه انتظامی، زندانها، ستاد مبارزه با مواد مخدر و کلیهٔ مراکز بازپروری دولتی است.

طبق برنامهٔ پیشنهادی ۵ ساله برای کنترل مواد مخدر، ۵۰ درصد این بودجه صرف کاهش تقاضای مواد مخدر (پیشگیری) می‌شود که سیاست جدیدی در کنترل مواد مخدر در ایران است.

۵ـ۲) قیمت مواد مخدر

قیمت مواد مخدر نشان‌دهندهٔ میزان در دسترس بودن آن است و بازتاب دقیقی از موفقیت سیاستهای کنترل مواد مخدر در ایران و کشورهای همسایهٔ آن. بعد از افزایش شدید قیمتها از دسامبر ۲۰۰۰ تا آوریل ۲۰۰۱، قیمت در طول ماههای ۲۰۰۱ تثبیت شد تا اینکه قیمت تریاک در سال ۲۰۰۲ مجددا کاهش یافت. این کاهش قیمت ناشی از سقوط طالبان و کشت بیشتر در افغانستان است. اما افت قیمت تریاک در افغانستان به‌اندازهٔ افزایش تولید

آن در این کشور نیست. تخمین زده می‌شود که تولید تریاک در افغانستان بین ۱۷۰۰ تا ۲۵۰۰ تن خشخاش است. برخلاف انتظار، قیمت هروئین در ماههای آخر سال ۲۰۰۱ گرانتر شد و تغییرات آن برابر ۱۰۰ تا ۲۰۰٪ است.

نمودار ۳ـ قیمت نسبی ۱ کیلوگرم تریاک در تهران

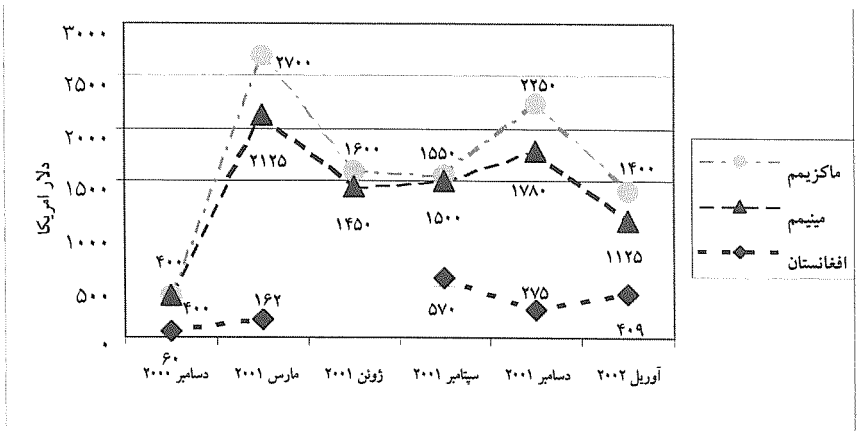

نمودار ۴ـ قیمت خیابانی ۱ کیلوگرم هروئین با خلوص ۵ ـ ۳٪ در تهران

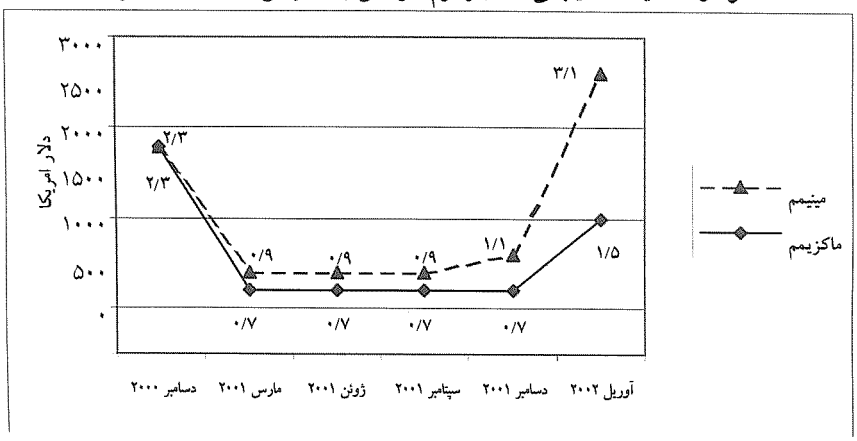

منبع: UNDCP-Tehran, 2002 .

References

منابع

۱ـ رئیس‌دانا، فریبرز و احمد نخجوانی، (۱۳۷۹). **بازار غیرقانونی مواد مخدر در تهران**. دفتر پژوهشهای فرهنگی.

۲ـ **مجموعهٔ مقالات سمینار بررسی مسائل مربوط به اعتیاد جوانان**. (۱۳۷۸). تبریز: تبریز.

۳ـ محسنی تبریزی، علیرضا. تهران: (۱۳۷۹). «**بررسی وضعیت گروههای جمعیتی تحت پوشش حوزهٔ رفاه بهزیستی در کشور**».

4- Akerloff, George **et al.** (eds.). (1994). **Gang Behavior, Law Enforcement, and Community Value**. Washington: Brookings Institution.

5- Bensson, B. and D. Rasmussen. (1991). "Relationship between Illicit drug Enforcement Policy and Property Crimes": **Contemporary Policy Issues**.

6- Ehrenberg, A. (1996). "Comment vivre avec les Drogues? Question de recherché et enjeu politique". **Communications**.

7- **Iran in the Front Line of Drug Battle**. (1999). The National Drug Control Report. I. R. IRAN.

8- UNDCP. (1995-2003). **World Drug, Report**. Oxford University Press.

9- UNDCP. (2000). **Annual Opium Poppy Survey 2000**.

10- UNDCP. (2001). **Annual Opium Poppy Survey 2001**.

11- UNDCP. (2002). **Annual Opium Poppy Survey 2002**.

12- UNDCP. (2003). **Annual Opium Poppy Survey 2003**.

13- UNDCP. (2003). **Drug Situation in the I. R. IRAN**.

14- UNDCP. (2000). **Global Illicit Drug Trends 2000**.
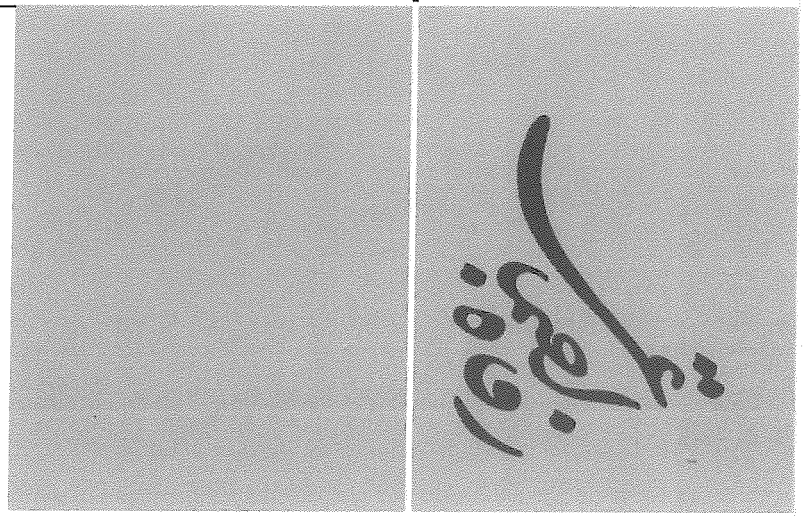
مباحث کاربردی